

خندونک

به یه نفر میگن : خوابیده آب نخور ...



*به یه نفر میگن : خوابیده آب نخور عقلت کم میشه. میگه : عقل دیگه چیه ؟ میگن : هیچی بابا آبتو بخور .

*پدر : بگو ببینم پسر چند تا تک آورده ای ؟ پسر با گریه جواب داد : فقط دوتا . پدر پرسید : از کدام درس ها ؟ پسر گریه اش شدید تر شد و گفت : از شفاهی و کتبی !

*دو تا تنبل کنار هم نشسته بودن یکی شون خمیازه می کشه اون یکی بهش میگه : قربون دستت تا دهننت بازه بچه من رو هم صدا بزن!

*اولی : از ماشینی که خریدی راضی هستی ؟ دومی : خودم نه ولی مکانیک سر کوچه خیلی راضیه !

*از یه خنگ می پرسن : می گذاری پسرت بره دانشگاه؟ میگه : آگه به درسش لطمه نخوره ، آره .

*بیمار: آقای دکتر! این، آن دندانی نیست که می خواهم بکشم. دکتر: صبر داشته باشید جانم، کم کم به آن هم می رسیم!

*دکتر پس از معاینه به بیمارارش گفت: همان طور که می بینم سرفه ی شما از دیروز بهتر شده. بیمار گفت: درسته، آخه من دیشب تا صبح تمرین می کردم!

*بیمار: آقای دکتر! ریش من درد می کند.

دکتر: چه خورده ای؟

بیمار: نان و بیخ.

دکتر: خاک بر سر ت که نه غذایت شبیه آدم هاست و نه دردت!

*هواپیما داشت سقوط می کرد همه داشتن جیغ می زدن به جزء یه دیوونه. ازش می پرسن چرا تو ساکتی؟ می گه: مال بابام که نیست، بذار سقوط کنه!

*مردی در هوای سرد، اسبی را دید که از بینی اش بخار بیرون می آمد. با خود گفت فهمیدم، پس اسب بخار که می کن همینه!